

## The Role of Gender in Producing Linguistic Variation in Persian Translations of “Metamorphosis” by Franz Kafka: An Interface between Sociolinguistics and Generative Grammar

*Ebrahim Rezapour\**

Vol. 11, No. 6, Tome 60  
pp. 539-574  
February & March  
2021

### Abstract

Linguistic variation is one of the challengeable themes in sociolinguistics. The researcher discusses linguistic variation in Persian translations *The Metamorphosis* by Franz Kafka Translated into Persian by Sadegh Hedayat and Farzaneh Taheri. The main questions in the present research are: 1) How is the role of gender in producing lexical variation in these two translations of *The Metamorphosis*? 2) In which parts of speech does it take place lexical variation more than others? 3) How is the role of gender in producing syntactic variation in two translation of *The Metamorphosis*? 4) Are there any relationships between gender and syntactic processes concerning the syntactic variations? The results of research indicate that gender has crucial role in producing linguistic variation including lexical, morphological and syntactic variations in Persian language. The results indicate that there are 505 lexical variations in two translations in which the number of verbal, nominal, adjective, and adverbial variations is 398, 51, 39, 17, respectively. The investigation of data indicates that the rate of morphological variation is less than lexical and syntactic variations. Also, the results indicate that there are relationships between gender and syntactic variables such as scrambling, adjuncts application, question particle application, grammatical metaphor of nominalization, grammatical metaphor of modality, causation, relativization, extraposition, grammatical metaphor of transitivity, and subordination shifting. One of the main implications of present research is that there is close interface between sociolinguistics and generative grammar and therefore, the results of present research confirm the opinions of sociolinguists such as Sells et al. (1996) and Barbiers(2002) about interface between sociolinguistics and generative grammar.

**Keywords:** gender, linguistic variation, the metamorphosis, sociolinguistics, generative grammar

### 1. Introduction

Linguistic variation is one of the challengeable themes in sociolinguistics. In the contemporary literature of sociolinguistics, one of important paradigm resulting amalgam of sociolinguistic paradigm and generative paradigm emerged. The supporters of this paradigm believe that only integrative theory of syntactic variation including generative and sociolinguistic paradigm can explain the syntactic variations. Variation theory needs formal theory for description and explanation of grammatical characterization of syntactic variations and determination of location of variation in speakers' grammars. Generative theory and sociolinguistics are complementary in the integrative theory of syntactic variations. The task of sociolinguistics is to explain patterns of variation based on social variables such as gender, social class, age, education in the speech community and the task of generative theory is to discover the constraints of syntactic variations. The present research is one of the newest one in discussing about syntactic variations based on integrated theory in Persian texts. The researcher discusses linguistic variation in Persian translations of the book entitled as *The Metamorphosis* compiled by Franz Kafka that is translated by Sadegh Hedayat and Farzaneh Taheri. The main questions in the present research are:

- 1) How is the role of gender in producing lexical variation in these two translations of *The Metamorphosis*?
- 2) In which parts of speech does it take place lexical variation more than others?
- 3) How is the role of gender in producing syntactic variation in two translation of *The Metamorphosis*?
- 4) Are there any relationships between gender and syntactic processes concerning the syntactic variations? The results of research indicate that gender has vital role in producing linguistic variation including lexical, morphological and syntactic variations in Persian language. The results indicate that there are 505 lexical variations in two translations in which the number of verbal, nominal, adjective, and adverbial variations is 398, 51, 39, 17, respectively. The investigation of data indicates that the rate of

morphological variation is less than lexical and syntactic variations. Also, the results indicate that there are relationships between gender and syntactic variables such as scrambling, adjuncts application, question particle application, grammatical metaphor of nominalization, grammatical metaphor of modality, causation, relativization, extraposition, grammatical metaphor of transitivity, and subordination shifting. One of the main implications of present research is that there is close interface between sociolinguistics and generative grammar and therefore, the results of present research confirm the opinions of sociolinguists such as Sells et al. (1996) and Barbiers (2002) about interface between sociolinguistics and generative grammar.





دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۱، ش ۶ (پیاپی ۶۰) بهمن و اسفند ۱۳۹۹، صص ۵۳۹-۵۷۴

## نقش جنسیت در تنوع زبانی در ترجمه‌های فارسی کتاب مسخ اثر فرانکس کافکا: تعامل میان زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی

ابراهیم رضاپور \*

استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۹

دریافت: ۹۷/۱۱/۲۵

### چکیده

تنوع زبانی یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز در زبان‌شناسی اجتماعی است. نگارنده در پژوهش حاضر به بحث تنوع زبانی در ترجمه‌های فارسی صادق هدایت و فرزانه طاهری از کتاب مسخ اثر فرانکس کافکا پرداخته است. پرسش‌های اساسی در این پژوهش عبارت است از: (۱) نقش جنسیت در تنوع واژگانی در دو ترجمه کتاب مسخ چگونه است؟ (۲) تنوع واژگانی بیشتر در کدامیک از اجزای کلام بیشتر صورت می‌گیرد؟ (۳) نقش جنسیت در تنوع نحوی در دو ترجمه کتاب مسخ چگونه است؟ (۴) چه رابطه‌ای بین جنسیت و فرایندهای نحوی دخیل در تنوع نحوی وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت نقش اساسی در تنوع زبانی از جمله واژگانی، صرفی و نحوی را در زبان فارسی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تعداد کل تنوعات واژگانی ۵۰۵ مورد بوده است. از این تعداد کل تنوع واژگانی، سهم هر یک از تنوعات اجزای کلام از جمله تنوع فعلی ۳۹۸ مورد، تنوع اسمی ۵۱ مورد، تنوع صفتی ۳۹ مورد و تنوع قیدی ۱۷ مورد بوده است. بررسی داده‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان تنوع صرفی در مقایسه با تنوعات واژگانی و نحوی بسیار پایین بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه تنگاتنگی بین متغیر اجتماعی جنسیت و متغیرهای نحوی از جمله قلب نحوی، کاربرد افزوده‌ها، کاربرد ادات استفهام، سببی‌سازی، موصولی‌سازی، حرکت بند موصولی و ناهم‌پایه‌سازی وجود دارد. یکی از پیامدهای اصلی پژوهش حاضر این است که تعامل تنگاتنگی بین زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی وجود دارد و بنابراین نتایج پژوهش حاضر دیدگاه‌های زبان‌شناسان اجتماعی

E-mail: abrahim\_rezapour@semnan.ac.ir

\* نویسنده مسئول مقاله:

از جمله سلز و همکاران (1996) و باربیرز (2002) را دربارهٔ تعامل بین زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، تنوع زبانی، کتاب مسخ، زبان‌شناسی اجتماعی، دستور زایشی.

## ۱. مقدمه

بحث تنوعات زبانی از دیرباز در حوزهٔ زبان‌شناسی اجتماعی مطرح بوده است. زبان‌شناسان اجتماعی از جمله لباو<sup>۱</sup> (1969) به نقش متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت، طبقهٔ اجتماعی، تحصیلات، سن، قومیت و غیره در تنوع زبانی پرداخته‌اند. حاصل چنین مطالعاتی به شکل‌گیری نظریهٔ تنوع<sup>۲</sup> در زبان‌شناسی اجتماعی منجر شده است که توسط لباو در سال ۱۹۶۹ مطرح شده است. از منظر نظریهٔ تنوع، اغلب تنوعات زبانی ناشی از تأثیر متفاوت متغیرهای اجتماعی است و البته در این نظریه اشاره شده است که در همهٔ موارد نمی‌توان انتظار داشت که تمام تنوعات زبانی ناشی از متغیرهای اجتماعی باشد، بلکه تنوعات زبانی در برخی موارد ممکن است ناشی از عوامل درون زبانی باشد که در محیط زبانی مختلف ممکن است به وقوع بپیوندند. زبان‌شناسان اجتماعی در سال‌های اخیر مطالعات نظری گسترده‌ای را در زمینهٔ تنوع نحوی انجام داده‌اند که به شکل‌گیری دو الگوی برجسته در زمینهٔ تحلیل تنوع و تغییر زبانی بین و یا درون گونه‌های زبانی منجر شده است. برخی از زبان‌شناسان اجتماعی سعی کرده‌اند سازوکارهایی را برای تعیین تنوع نحوی از طریق ترکیب دیدگاه‌های این دو پارادایم اتخاذ کنند. آن‌ها مدعی شده‌اند که چنین پلی شرط لازم برای درک و فهم تنوع و تغییر زبان محسوب می‌شود و این تنوعات تحت تأثیر عوامل اجتماعی است و اما چنین تنوعاتی تحت حاکمیت ماهیت دستوره‌های ممکن هستند (Wilson & Henry, 1998: 8; Sells et al., 1996b: 173). حصول به چنین سازوکارهایی به تمایل پژوهشگران تنوع‌گرا و زایشی به تلفیق دیدگاه‌های پارادایم‌ها<sup>۳</sup> بستگی دارد. رویکرد تنوع‌گرا از شفاف‌سازی تنوع زبانی خرد از طریق تحلیل نظام‌های دستوری با استفاده از ابزارهای فنی بهره خواهد برد که از طریق رویکرد زایشی در دسترس قرار گرفته است. از طرف دیگر باور بر این است که رویکرد زایشی می‌تواند حداکثر

دستاورد را در زمینه تنوع داشته باشد در صورتی که به ساختار دستوری از نگاه کاربردی نظر داشته باشد (Van der Wurff, 2000; Taylor, 1994) و از طریق دسترسی به روش‌شناسی تنوع‌گراها می‌توان ساخت دستوری را درک کرد (Meehan & Foley, 1994: 82; Sells et al., 1996a: 624).

تاکنون مطالعاتی در زمینه تنوع در گفتار گویشوران زبان فارسی صورت گرفته، اما نگارنده در پژوهش حاضر سازوکار جدیدی را جهت بررسی نقش جنسیت در تنوع واژگانی و نحوی یعنی بررسی ترجمه‌های کتاب مسخ برگزیده است که در این رابطه ترجمه‌های صادق هدایت و فرزانه طاهری انتخاب شده است. مطالعات صورت‌گرفته در زمینه تنوع زبانی نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی از این سازوکار جهت بررسی تنوع زبانی استفاده نکرده است. پرسش‌های اساسی در این پژوهش عبارت است از: ۱) نقش جنسیت در تنوع واژگانی در دو ترجمه کتاب مسخ چگونه است؟ ۲) تنوع واژگانی بیشتر در کدام یک از اجزای کلام بیشتر صورت می‌گیرد؟ ۳) نقش جنسیت در تنوع نحوی در دو ترجمه کتاب مسخ چگونه است؟ ۴) چه رابطه‌ای بین جنسیت و فرایندهای نحوی دخیل در تنوع نحوی وجود دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

بی‌من<sup>۱</sup> (۱۹۸۶)، ترجمه مقدم‌کیا، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰) به مطالعه واج‌شناسی اجتماعی، واژه‌شناسی اجتماعی و نحو‌شناسی اجتماعی در گفتار ایرانیان پرداخته است. وی در توصیف نحو‌شناسی اجتماعی به دو حوزه کارکردهای عملیاتی و ترکیب‌بندی شکل کلی پیام پرداخته است. وظیفه کارکردهای عملیاتی پیش‌برد یک تعامل از شروع تا خاتمه آن از میان تمامی کارکنش‌های بالقوه و کارکنش‌های فرعی است که ممکن است در تعامل نقش داشته باشند.

غفارثمر و یزدان‌فر (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر بیان آینده در زبان فارسی پرداخته‌اند و مشخص شد که گویشوران زمان آینده را به نه گونه واژگانی - نحوی ابراز داشته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که حال استمراری پرکاربردترین گونه واژگانی - نحوی بیان آینده در گفتار مشاهده‌شوندگان بوده است.

احمدخانی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه واج‌شناسی اجتماعی به بررسی موردی قلب واجی

در زبان فارسی بر اساس عوامل اجتماعی سن و تحصیلات پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سن و تحصیلات وقوع فرایند قلب واجی کاهش می‌یابد. آهنگر و شاهسوار (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهندان از جمله ساخت هجا، عناصر ساخت‌واژی و نحوی پرداخته‌اند. بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه تحصیلات عاملی مهم در ایجاد تمایز زبانی در بین گویشوران نهندانی است، در برخی متغیرها سبب تمایز گفتار گویشوران باسواد و بی‌سواد نشده است. در گروه جوانان و افراد مسن مشاهده شد که جنسیت در بیشتر متغیرها نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایز گفتار زنان و مردان داشته است. افزایش سن در گروه جوانان و افراد مسن باسواد با افزایش استفاده از صورت‌های معیار همراه است.

رضاپور (۱۳۹۶: ۷۷) به بررسی تعامل میان نحو و زبان‌شناسی اجتماعی از طریق تحلیل کاربرد چند ساخت نحوی زبان فارسی در دو گفتمان روزمره و علمی از منظر نظریه تنوع لباو پرداخته است. در گفتمان روزمره مردان نسبت به زنان بیشتر از قلب نحوی، ساخت اسنادی و قیود تأکید استفاده کرده‌اند و در گفتمان علمی برعکس زنان نسبت به مردان در کاربرد قلب نحوی و ساخت اسنادی تا حدود زیادی پیشتاز بوده‌اند.

ادلی<sup>۵</sup> (2006: 198-199) در مطالعه ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای زبان فرانسه به اختیاری بودن نحو پی برده است. تنوع در کاربرد گونه‌های مختلف ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای ناشی از نوع سیاق و گونه‌های سبکی است. تغییر سبکی ناشی از حرکت اختیاری ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فرانسه تحت حاکمیت کارکردهای غیرنحوی سطوح تعامل نحو یعنی سطح کاربردشناسی است.

ادلی (2006) همچنین مدعی است که بین تفاوت‌های سبکی و تفاوت‌های اجتماعی همبستگی وجود دارد. ادلی (2004) نشان داده است که تأثیرات اجتماعی قابل ملاحظه‌ای به لحاظ آماری بر قضاوت‌های دستوری ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فرانسه وجود دارد و چنین تأثیرات اجتماعی در مورد ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای نسبت به ساخت‌های دیگر برجسته‌تر است. ادلی (2013: 473) در بررسی تنوع نحوی ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای زبان فرانسه از منظر نظریه اجتماعی فرهنگی بورديو نشان داد که تحلیل‌های آماری حاصل از بررسی



متغیرهای درون‌زبانی و همچنین متغیرهای درون‌زبانی و برون‌زبانی حاکی از گذار از جنبه نظام نحوی مشترک به سمت جنبه تنوع اجتماعی است. این نتایج نشان می‌دهد که تحلیل ساختار اجتماعی معتبر می‌تواند الگوهای برجسته تنوع زبان‌شناسی اجتماعی را آشکار سازد که در صورت عدم بررسی تأثیر ساختار اجتماعی بر ساختار نحوی، چنین الگوهایی ناشناخته باقی می‌مانند.

تالیمنت<sup>۱</sup> (2011) به بررسی تنوع زبانی در کاربرد افعال ربطی در گونه‌های مختلف زبان انگلیسی در کانادا پرداخته است. وی دریافته است که کاربرد فعل ربطی گذشته *was* بعد از همه ضمایر مفرد و جمع به صورت الگوی منظم همانند افعال باقاعده دیگر در زبان انگلیسی درآمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله ساخت وجودی، شخص دستوری فاعل، گروه اسمی در مقابل ضمیر جمع *they* در گونه‌های متفاوت زبان انگلیسی نقش مهمی در توزیع متفاوت فعل ربطی *was* دارد. چنین نتایجی الگوهای جهان‌شمول را آشکار می‌سازند، اما این الگوها تحت حاکمیت اصول موضعی تنوع به‌طور متفاوت بازنمایی می‌شوند. تالیمنت نتیجه می‌گیرد که تنوع درجه منحصربه‌فردی را برای جهانی‌های زبان فراهم می‌سازد.

فسولد (2013:193) به تبیین رفتار تنوعات زبانی در نظریه کمینه‌گرا پرداخته است. وی نمونه‌ای از تنوع را در نحو صورت‌گرا از جمله حرکت پرسش‌واژه و حرکت کل سازه<sup>۷</sup> مورد بحث و بررسی قرار داده است. فسولد اشاره کرده است تنوع زمانی اتفاق می‌افتد که گویشوری بخواهد یکی از دو صورت متناوب *speak*[<sub>pp</sub> to NP] یا *speak* to-NP را از واژگان انتخاب نماید. در حالت نخست اگر گروه اسمی شامل پرسش‌واژه باشد، آنگاه پرسش‌واژه حرکت می‌کند و حرف اضافه در جایگاه اولیه ابقا می‌شود. اگر صورت دوم انتخاب شود، حرکت کل سازه حادث خواهد شد. اما چنین تحلیلی توهمی بیش نیست. سبک و عوامل اجتماعی دیگر بر انتخاب صورت‌های مذکور تأثیر می‌گذارند. چنین تحلیلی درباره کاربرد صورت‌های تنوع نحوی در قلب برنامه کمینه‌گرا قرار دارد و همسو با حدس و گمان چامسکی - بورر<sup>۸</sup> است. نظریه نحوی در سطح جمله و نه پاره‌گفتار بحث می‌کند، اما تبیین‌هایی برای تنوع پاره‌گفتارها در دسترس است، اگرچه پاره‌گفتارها خارج از دستور هستند. تأثیرات اجتماعی به‌جای اینکه بخشی از دستور باشند، می‌توانند بر چینش انتخاب توسط گویشوران (یا شاید درج آن در واژگان) از واژگان مؤثر واقع شوند.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

تنوع زبانی یکی از مباحث مهم و اساسی زبان‌شناسی اجتماعی است که در سال‌های اخیر بسیاری از زبان‌شناسان اجتماعی در این زمینه به انجام پژوهش پرداختند. نقش نیروهای بیرونی از جمله متغیرهای اجتماعی جنسیت، طبقه اجتماعی، سن، تحصیلات، قومیت و سبک در تنوع زبانی بسیار تأثیرگذار است. تاکنون زبان‌شناسان اجتماعی و روان‌شناسان زبان به تبیین تنوع زبانی پرداخته‌اند و در سال‌های اخیر پادایم جدیدی حاصل تلفیق پارادایم‌های زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی شکل گرفته است که چارچوب نظری مقاله حاضر است.

#### ۳-۱. انواع متغیرهای زبانی

هادسون<sup>۱</sup> (1996: 169-171) متغیر را شامل مجموعه‌ای از تناوب‌ها در نظر گرفته است که دارای چیزهای مشترکی هستند. او انواع متغیرهای زبانی را برحسب سطوح زبان از جمله آواشناسی، واج‌شناسی، صرف، واژگان و نحو شامل موارد زیر در نظر گرفته است: ۱) متغیرهای آوایی؛ الگوی واج‌شناسی یکسان که دارای بازنمایی‌های آوایی متفاوت است. ۲) متغیرهای واجی؛ عنصر واژی یکسان که دارای ساخت‌های واجی متناوب است. ۳) متغیرهای صرفی؛ واژه یکسان که دارای ساخت‌های صرفی متناوب (برحسب ریشه‌ها و وندها تعریف می‌شود) است. ۴) متغیرهای واژگانی؛ معنای یکسان که از طریق دو عنصر واژگانی متفاوت بیان می‌شود. به عبارت دیگر دو واژه‌ای که حداقل مترادف جزئی هستند. ۵) متغیرهای نحوی؛ معنای یکسان که از طریق ساخت‌های نحوی متفاوت بیان می‌شود.

#### ۳-۲. نقش جنسیت در تنوع زبانی

یکی از مباحث اساسی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی بررسی همبستگی بین متغیرهای زبانی و غیرزبانی است. رفتار زبانی زنان و مردان در جامعه‌های زبانی مختلف به درجات گوناگون با یکدیگر متفاوت است؛ در برخی از جامعه‌ها، این تفاوت‌ها در اختلافات واژگانی محدودی خلاصه می‌شود و در جامعه‌های دیگر میزان تفاوت‌ها قابل ملاحظه‌تر است و ویژگی‌های واژگانی، تلفظی و دستوری زیادی را دربر می‌گیرد (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). جیمز و

دراکیچ<sup>۱</sup> (302-303: 1993) درباره تفاوت گفتار زنان و مردان اشاره کردند که زنان بسیار بیشتر از مردان از گفت‌وگو جهت تثبیت و تداوم روابط شخصی (جای تعجب نیست که مسئولیت روابط بینافردی اساساً بر دوش زنان نهاده شده است) است؛ مثلاً مشاهده شده است که زنان بسیار بیشتر از مردان صرفاً از گفت‌وگو به منظور تداوم و جریان ملایم و نرم تعامل و همچنین ابراز حسن‌نیت نسبت به دیگران استفاده می‌کنند. زنان در گفت‌وگو و تعامل درباره احساسات و عواطف شخصی و مسائل اجتماعی - عاطفی مرتبط با روابط بینافردی بسیار بیشتر از مردان بحث می‌کنند. آنچه که خصوصاً در روابط زنان مهم است، به اشتراک‌گذاری احساسات صمیمیت و اعتماد از طریق گفت‌وگو است در حالی که در روابط مردان اشتراک‌گذاری فعالیت‌ها مهم‌تر است. هلمز<sup>۱۱</sup> (330: 1992) درباره تفاوت زبانی بین زنان و مردان اشاره کرد که تفاوت‌های بین زنان و مردان در روش‌های تعامل حاصل الگوهای متفاوت اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری است. اگر روش‌های گفت‌وگو اساساً در گروه‌های تکجنسیتی همسالان را یاد بگیریم، آنگاه الگوهایی که یاد می‌گیریم احتمالاً جنسیت‌ویژه خواهد بود و سوء-تفاهماتی که بی‌شک بین زنان و مردان اتفاق می‌افتد ناشی از انتظارات متفاوت هر یک از جنسیت‌ها در تعاملات و روش‌های هدایت متناسب تعامل است. هلمز (1998) بر اساس اصول و تمایلات جهانی زبان‌شناسی اجتماعی پنج تفاوت عمده را بین زنان و مردان مدعی شده است:

- ۱) زنان و مردان الگوهای متفاوتی از کاربرد زبان را گسترش می‌دهند. ۲) زنان سعی می‌کنند بر نقش‌های عاطفی تعامل بیشتر از مردان تمرکز کنند. ۳) زنان بیشتر نسبت به مردان سعی می‌کنند از ابزارهای زبانی استفاده کنند که بر انسجام و یکپارچگی افراد جامعه تأکید دارند. ۴) زنان از روش‌هایی در تعامل استفاده می‌کنند که انسجام و یکپارچگی را تداوم و افزایش می‌دهد درحالی که مردان خصوصاً در بافت‌های رسمی از روش‌هایی در تعامل استفاده می‌کنند که قدرت و جایگاه آنان را تداوم و افزایش می‌دهد. ۵) زنان به لحاظ سبکی انعطاف‌پذیرتر از مردان هستند (Wardhaugh, 2006: 322).

### ۳-۳. پارادایم جدید در زمینه تنوع زبانی

در پارادایم جدید بحث بر سر تلفیق دو پارادایم تنوع‌گرایی و دستور زایشی است. سلز و همکاران (Sells et al., 1996b: 173) مدعی شدند که نظریه تنوع به نظریه دستوری نیاز دارد،

زیرا توصیف دستوری لازم در دسترس شرط لازم برای تصمیم‌گیری دربارهٔ چستی تنوع است و همبستگی بین نظریه‌های تنوع و دستوری عنصر اساسی دربارهٔ مسئله اساسی یعنی جایگاه تنوع در دستورهای گویشوران است (Cornips & Corrigan, 2005: 8). همچنین باربیرز<sup>۱۲</sup> (2002) مدعی شد که زبان‌شناسی زایشی و زبان‌شناسی اجتماعی مکمل هستند، زیرا وظیفه زبان‌شناسی اجتماعی توصیف و تبیین الگوهای تنوع است که در جامعهٔ زبانی اتفاق می‌افتد و اما محدودیت‌های نظری چنین تنوعی توسط زبان‌شناسی زایشی کشف شده است. ویلسون و هنری (1998: 8) پل ارتباطی بین دو پارادایم می‌تواند به درک تنوع و تغییر زبان متأثر از عوامل اجتماعی و اما تحت حاکمیت (در یک سطح) ماهیت دستورهای ممکن کمک کند. درضمن مطالعات جامعه‌شناسی زبان می‌تواند به آگاهی‌بخشی محدودیت‌های نظری تنوع کشف‌شده توسط زبان‌شناسی زایشی کمک کند (Barbiers, 2005: 235). در نحو زایشی تنوع به معنای تنوع میان زبان‌ها یا گویش‌ها اشاره دارد. این نظریه به تحلیل تفاوت‌های رده‌شناختی میان زبان‌ها و گویش‌ها می‌پردازد. باوجودی که نحو و زبان‌شناسی اجتماعی همپوشی اساسی ندارند، اما آن‌ها دارای مسائل مشترک هستند: بحث توصیف کامل تنوع ساختاری و درون نحوی. بر اساس کدام معیارها می‌توان دو یا بیشتر صورت‌های نحوی را به‌مثابهٔ گونه‌های متغیر یکدیگر در نظر گرفت؟ چنین پرسشی باعث اختیاری بودن گشتارهای نحوی به‌عنوان مسئلهٔ پیچیده از زمان برنامهٔ کمینه‌گرا (Chomsky, 1991) مطرح شده است (Adli, 2013: 476-477). زبان‌شناسی اجتماعی به بحث تنوع درون‌گروهی زبانی (یا بینافردی) بر اساس عوامل خارجی می‌پردازد. متغیر زبانی نیاز به ترکیبی از مباحث تنوع ساختاری نحوی و تنوع درون‌گروهی زبانی دارد: مطالعات تنوع‌گراها در سطح نحو به همبستگی گونه‌های متغیر نحوی متفاوت با متغیرهای اجتماعی و/یا زبانی دیگر مرتبط است (Adli, 2013: 477). تاکنون در ادبیات تنوع زبانی سه جایگاه برای تنوع زبانی در ذهن گویشوران در نظر گرفته شده است: (۱) تنوع در خارج از سازوکارهای دستوری وجود دارد. (۲) تنوع در درون دستور با قائل شدن به قواعد اختیاری وجود دارد. (۳) تنوع محصول گشتار است که تحت حاکمیت مطابقت است. طرفدار جایگاه اول کروچ<sup>۱۳</sup> (1989) است که مدعی شده است دستور نظام غیرشفاف و خودمختار است و مفهوم انتخاب بخشی از دستور نیست. برعکس هر گویشوری به دستورهای مجزا یا رقابتی هنگام بیان تنوع دسترسی دارد. چامسکی (1981: 5) در کتاب *خطابه‌هایی در*

نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی اشاره کرده است که قاعده حرکت آلفا در بخش‌های صورت آوایی و صورت منطقی نیز ممکن است عمل کند. آن دسته از قواعد حرکتی که در بخش صورت آوایی عمل می‌کنند اصطلاحاً قواعد سبکی<sup>۴</sup> خوانده می‌شوند (Chomsky, 1981: 18). چامسکی در کتاب مورد وصف قاعده جابه‌جایی گروه اسمی سنگین<sup>۵</sup> را به‌طور قطعی یک قاعده مربوط به صورت آوایی تلقی نکرده، بلکه این احتمال را که قاعده‌ای است در بخش نحو هم مطرح کرده است (ibid: 70). وی (1986) در کتاب *دانش زبان: ماهیت، خاستگاه و کاربرد آن* این قاعده را مربوط به بخش نحو دانسته است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۴۳۰). بنابراین، چامسکی درباره جایگاه عملکرد قواعد سبکی که زمینه‌ساز تنوع نحوی هستند شک و تردید دارد.

اجر و اسمیت<sup>۶</sup> (2003) بر این باورند که مفهوم انتخاب نمی‌تواند در درون دستور خودمختار تبیین شود، اما آن‌ها خلاف دیدگاه کروچ به‌طور ضمنی اشاره نمی‌کنند که گویشوران مختلف دارای دستورهای متفاوتی هستند، بلکه دامنه‌ای از عناصر واژگانی در اختیار آن‌هاست که برخی از آن واژگان اثرات نحوی دارند. از منظر اجر و اسمیت مفهوم انتخاب به سطحی مرتبط است که به‌مثابه درون‌داد برای نظام دستوری خودمختار عمل می‌کند. دیدگاه هنری (1995/2002) حاکی از آن است که دستورهای فردی متنوع هستند و به تبع آن هر گویشوری دارای انتخاب واقعی برحسب عملکردهای نحوی از جمله حرکت فعل اختیاری و مطابقت است. اما باربیرز (2002) مدعی شده است که همه تنوع را نمی‌توان به ویژگی‌های صرفی - نحوی یا بازنمون تقلیل داد، بلکه گویش‌های مختلف ممکن است دستور یکسان را سهیم باشند. چنین دیدگاهی درجه معینی از اختیاری بودن (تنوع ویژگی ذاتی نظام دستوری است) را مجاز می‌شمارد (Carnips & Carrigan, 2005: 11). عوامل متعددی با تنوع زبانی همبستگی دارند (see Chambers et al., 2002): ۱. پویایی اجتماعی<sup>۷</sup> گونه‌های متغیر نحوی کاربردشناسی که توسط اجر و همکاران (2005) و کینگ و میوسکن<sup>۸</sup> (2005) مطرح شده است. ۲) تغییر نحوی در زمان واقعی که در تحلیل داده‌های ون گلدرن<sup>۹</sup> (2005) از منابع تاریخی انگلیسی مورد تأکید قرار گرفته است. ۳) عوامل سبکی که به روش‌های مختلف توسط چشایر و ون گلدرن مطرح شده است. ۴) تنوع منطقه‌ای که توسط بابیرز (2005) و بنیکا و پولتو<sup>۱۰</sup> (2005) عنوان شده است. ۵) تنوع الگوی فردی که توسط هنری (2005) و گروین و

زمپلن<sup>۲۱</sup> (2005) مطرح شده است (Carnips & Carrigan, 2005: 14-15).

اجر و اسمیت (2005: 153) به بررسی تعامل میان تنوع و برنامه کمینه‌گرا پرداختند. آن‌ها اشاره کردند که تنوع ناشی از اقلام واژگانی در پایان اشتقاق نحوی دارای مشخص‌بودگی مشخصه قابل‌تعبیر همانند همراه با مشخص‌بودگی واجی و مشخصه‌های غیرقابل‌تعبیر است. چالش‌های جالب در این انگاره در مواردی اتفاق می‌افتد که مشخصه‌های یکسان دارای هم‌الگوهای متغیر و هم‌مقوله‌ای هستند که چنین پدیده‌ای محصول کم‌مشخص‌بودگی<sup>۲۲</sup> نحوی اقلام واژگانی است. اجر و اسمیت (2005: 173) اشاره کردند که رویکرد کمینه‌گرایی به نحو با انواع داده‌هایی آمیخته شده است که محور مطالعه تنوع‌گراها هست، زیرا برنامه کمینه‌گرا دارای دو ویژگی اصلی است: مفهوم انتخاب (ضمنی) اقلام واژگانی را در نظام نحوی می‌سازد و به اشتقاق‌ها همراه با اقلام واژگانی متفاوت اجازه می‌دهد تا در سطح بازنمایی معنایی یکسان با هم‌دیگر همگرا شوند. بنابراین، چنین اشتقاق‌هایی صورت چندگانه و اما معنای یکسان متغیر زبانی را شکل می‌دهند. الگوهای منظم تنوع مشاهده‌شده در (گروه‌هایی) افراد به انتخاب واژگانی تنزل پیدا می‌کند که از طریق بازبینی مشخصه‌های حاصل با عناصر نقشی در گویشور فردی اتفاق می‌افتد. چنین انتخابی تحت تأثیر دامنه‌ای از عوامل کاربردی از جمله پردازش، بسامد اقلام واژگانی فردی در سیاق و گفتمان جامعه و عوامل گسترده‌تر ارتباطی و زبان‌شناسی اجتماعی است.

۴) **تجزیه و تحلیل داده‌ها:** مقایسه ترجمه هدایت و طاهری از کتاب مسخ نوشته فرانتس کافکا نشان می‌دهد که نقش جنسیت در تنوعات زبانی از جمله واژگانی، صرفی و نحوی متنوع است. در ادامه به بررسی تنوعات واژگانی، صرفی و نحوی پرداخته می‌شود.

۴-۱. **تنوعات واژگانی:** بررسی داده‌های پژوهش حاکی از آن است که تعداد کل تنوعات واژگانی ۵۰۵ مورد بوده است. از این تعداد کل تنوع واژگانی، سهم هر یک از تنوعات اجزای کلام از جمله تنوع فعلی ۳۹۸ مورد، تنوع اسمی ۵۱ مورد، تنوع صفتی ۳۹ مورد و تنوع قیدی ۱۷ مورد بوده است. نمونه‌هایی از هر یک از تنوعات واژگانی در جدول‌های ۱ تا ۴ نمایش داده شده است:

جدول ۱: نمونه‌هایی از تنوعات واژگانی (فعلی) به‌کار رفته در ترجمه هدایت و طاهری

Table 1: Instances of lexical variations(verb) used in translation of Hedayat and Taheri

ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری	ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری
۱	مبدل شدن	تبدیل شدن	۱۲	تصور کردن	گمان کردن
۲	رد کردن	پس زدن	۱۳	یله دادن	تکیه دادن
۳	فرو رفتن	پنهان شدن	۱۴	فهمیدن	مطلع شدن
۴	تا کردن	خم کردن	۱۵	تکان دادن	تاب دادن
۵	نمایش دادن	نشان دادن	۱۶	تقلا کردن	تلاش کردن
۶	اطلاع دادن	گزارش دادن	۱۷	نگاه کردن	خیره شدن
۷	لرزیدن	جنبیدن	۱۸	سوت کشیدن	فش فش کردن
۸	تراوش کردن	ترشح کردن	۱۹	متصاعد شدن	بلند شدن
۹	خیال داشتن	قصد داشتن	۲۰	خوردن	لمباندن
۱۰	لغزاندن	تاب دادن	۲۱	فریاد کشیدن	جیغ کشیدن
۱۱	اذیت کردن	زجر دادن	۲۲	زدن	نواختن

جدول ۲: نمونه‌هایی از تنوعات واژگانی (اسمی) به‌کار رفته در ترجمه هدایت و طاهری

Table 2: Instances of lexical variations(nominal) used in translation of Hedayat and Taheri

ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری	ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری
۱	لحاف	روانداز	۸	منافع	سود
۲	ترن	قطار	۹	قرض	بدهی
۳	خدمتکار	مستخدمه	۱۰	هیاهو	سر و صدا
۴	قوت	نیرو	۱۱	ریزه کاری	ظرافت
۵	اراجیف	شایعات	۱۲	وحشت	ترس
۶	لبناده	پالتو	۱۳	بلیه	سختی
۷	مبل	کاناپه	۱۴	ملودی	آهنگ

جدول ۳: نمونه‌هایی از تنوعات واژگانی (صفتی) به‌کار رفته در ترجمه هدایت و طاهری

**Table 3:** Instances of lexical variations (adjectival) used in translation of Hedayat and Taheri

ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری	ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری
۱	سوزان	جانفرسا	۸	مسرور	مشعوف
۲	بی‌خود	عامل و باطل	۹	دقیق	تیزبین
۳	دغل	اوباش	۱۰	بدبخت	بیچاره
۴	ناگواری	بدبیری	۱۱	ناتوان	کم‌بینه
۵	آرامش	خونسردی	۱۲	دستپاچه	هراسان
۶	طویل	دراز	۱۳	خسته	بی‌رمق
۷	متعجب	حیرت‌زده	۱۴	تلخ‌کام	دمق

جدول ۴: نمونه‌هایی از تنوعات واژگانی (قیدی) به‌کار رفته در ترجمه هدایت و طاهری

**Table 4:** Instances of lexical variations (adverbial) used in translation of Hedayat and Taheri

ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری	ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری
۱	پی‌درپی	یکریز	۸	اغلب	غالباً
۲	به‌شدت	محکم	۹	به‌خصوص	مخصوصاً
۳	به‌حال غمناک	باغصه	۱۰	به‌آرامی	بی‌رمق
۴	شنتاب‌زده	دوان‌دوان	۱۱	از روی بدگمانی	با سوء ظن
۵	افلاً	دست‌کم	۱۲	بی‌شک	حتماً
۶	فوراً	در اسرع وقت	۱۳	گاهی	بعضی وقت‌ها
۷	بی‌شک	قطعاً	۱۴	بدبختانه	از بخت بد

#### ۲-۴. تنوعات صرفی

بررسی داده‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان تنوع صرفی در مقایسه با تنوعات واژگانی و نحوی بسیار پایین یعنی ۴ مورد بوده است. در جدول ۵ تنوعات صرفی نمایش داده شده است:



جدول ۵: تنوعات صرفی در ترجمه هدایت و طاهری

Table 5: Morphological variations in translation of Hedayat and Taheri

ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری	ردیف	ترجمه هدایت	ترجمه طاهری
۱	باوفا	وفادار	۳	چرخانیدن	چرخاندن
۲	کشانیدن	کشاندن	۴	با لبخند	لبخندزنان

#### ۳-۴. تنوعات نحوی

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقش جنسیت در ایجاد تنوع نحوی در ترجمه هدایت و طاهری بسیار تأثیرگذار بوده است و عموماً فرایندهای نحوی متعددی در شکل‌گیری چنین تنوعات نحوی دخیل هستند که در ادامه به هریک از این فرایندها پرداخته خواهد شد. نکته حائز اهمیت در پژوهش حاضر این است که نحو زبان فارسی از منظر زایشی، نقش‌گرایی و شناختی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۴-۱. مبتداسازی<sup>۳۳</sup>: در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، موضوع مبتداسازی چندان مورد توجه قرار نگرفت. در آن چارچوب، مبتداسازی را می‌توان با توسل به افزودگی<sup>۳۴</sup> صورت‌بندی کرد. در سال ۱۹۹۷ ریتزی<sup>۳۵</sup> به تحلیل این ساخت در چارچوب برنامه کمینه‌گرا همت گماشت. در ساخت مبتدا - خبر، مبتدا سازه پیشایندشده‌ای است که به کمک مکث از بقیه جمله جدا می‌شود و معمولاً حاوی اطلاع کهنه است، اما خبر گزاره‌ای است که درباره مبتدا و حاوی اطلاع نو است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۶۳۴-۶۳۵). در پژوهش حاضر اگرچه مبتداسازی نقش اساسی را در ایجاد تنوع نحوی ایفا کرده است، اما رابطه تنگاتنگی بین جنسیت و مبتداسازی مشاهده نمی‌شود. هر یک از مترجمان کتاب مسخ در ترجمه سازه‌های نحوی متفاوتی را تحت فرایند مبتداسازی در جایگاه مبتدا قرار داده‌اند که نمونه‌هایی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. الف) ... با دست راست عصای مهمان را که با لباده و کلاهش روی صندلی جا گذاشته بود .... برداشت (هدایت، ۳۱).

ب) ... عصای مدیر را که با کلاه و پالتوش روی صندلی جا مانده بود در دست راست گرفت ... (طاهری، ۳۲).

۲. الف) اما کلفت، درین موضوع همیشه خواهرش برای او کاری در خارج می‌تراشید

(هدایت، ۳۸).

ب) خواهرش می‌توانست دخترک خدمتکار را به دنبال چیزی بیرون بفرستد (طاهری، ۳۹).  
 ۳. الف) سیبی را که هیچ کس جرئت نکرد از پشت گره‌گوار در بیاورد در گوشت تنش به‌منزله یادبود محسوسی از آن پیش‌آمد باقی ماند (هدایت، ۵۷).

ب) جراحت شدید گرگور، که بیش از یک ماه عذابش می‌داد با سیب که فرو رفته در پشتش همچون یادگاری مشهود مانده بود ... (طاهری، ۵۵).

۴: الف) زیر دست‌های کارکشته گرت بالش‌ها و لحاف‌ها به هوا می‌پرید (هدایت، ۷۰).  
 ب) می‌شد روتختی‌ها و بالشتک‌های روی تخت‌ها را دید که به تبعیت از دستان ورزیده خواهرش به هوا می‌رفتند (طاهری، ۶۶).

۵. الف) و دور جسد گره‌گوار وسط اتاق که خورشید در آن می‌تابید دست‌ها را در جیب کت‌های نیم‌دار خود کردند و ایستادند (هدایت، ۷۷).

ب) و بعد در اتاقی که دیگر غرق نور بود، دست در جیب کت‌های کمابیش مندرسشان دور جسد گرگور حلقه زدند (طاهری، ۷۲).

۲-۳-۴. قلب نحوی<sup>۲۱</sup>: هر یک از مترجمان در ترجمه کتاب مذکور با استفاده از فرایند قلب نحوی سازه‌های متفاوتی را در جمله جابه‌جا کرده‌اند. هدایت و طاهری از فرایند قلب نحوی در ترجمه به ترتیب ۲۸ و ۱۶ مورد استفاده کرده‌اند که تفاوت تقریباً زیادی بین آن‌ها وجود دارد. بنابراین می‌توان مدعی شد که مردان بیشتر از زنان از فرایند قلب نحوی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از قلب نحوی در زیر به نمایش گذاشته شده است:

۱. الف) در هر آن می‌ترسید که ضربت کشنده‌ای با این چوب تهدیدآمیز روی سر گردهاش فرود بیاید (هدایت، ۳۲).

ب) و هر لحظه امکان داشت که با آن عصای دستش ضربه‌ای مرگبار بر پشت یا سرش وارد کند (طاهری، ۳۳).

در نمونه‌های فوق مشاهده می‌شود که طاهری خلاف هدایت از فرایند قلب نحوی جهت جابه‌جایی سازه‌ها استفاده کرده است. نکته مهم دیگر اینکه جمله وابسته در نمونه الف مجهول و اما در جمله ب معلوم است.

۲. الف) در طی روزهای اول آقای سامسا به زن و دخترش وضعیت و دورنمای مالی خانه

را توضیح داد (هدایت، ۴۰).

ب) در همان روز اول پدرش وضعیت و چشم‌انداز مالی خانواده را برای مادر و خواهر تشریح کرد (طاهری، ۴۰).

۳. الف) از غذاها بخار غلیظی متصاعد می‌شد (هدایت، ۶۵).

ب) بخار غلیظی از غذا بلند بود (طاهری، ۶۲).

۴. الف) به اتاق مجاور پرید که اجاره‌نشین‌ها با سرعت بیش از پیش در تحت فشار آقای سامسا به آن نزدیک شدند (هدایت، ۷۰).

ب) به اتاق بغلی دوید که مستأجرها، با فشار پدرش، با سرعتی فزاینده به آن نزدیک شدند (طاهری، ۶۶).

۴-۳. کاربرد افزوده‌ها: داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که طاهری در ترجمه در ۳۰ مورد خلاف هدایت از افزوده‌ها بیشتر استفاده کرده است. بنابراین، رابطه تنگاتنگی بین جنسیت و کاربرد افزوده‌ها وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زنان نسبت به مردان بیشتر از افزوده‌ها استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از کاربرد افزوده‌ها در دو ترجمه به شرح زیر است:

۱. الف) گره‌گوار - هر چه باداباد - خود را لای گذرگاه در کرد (هدایت، ۳۳).

ب) گرگور - هر چه باداباد - خود را به زور در درگاه چپاند (طاهری، ۳۵).

۲. الف) پدر و مادر غرق در آهنگ ویلن بودند (هدایت، ۶۸).

ب) خانواده کاملاً مجذوب نواختن ویلن بودند (طاهری، ۶۴).

۳. الف) ... در حالی که پدر و مادر از دو طرف مختلف به حرکات دستش نگاه می‌کردند (هدایت، ۶۷).

ب) پدر و مادر از دو طرف به دقت حرکات دستانش را دنبال می‌کردند (طاهری، ۶۴).

۴. الف) آشکارا دیده می‌شد که امید آن‌ها از شنیدن یک قطعه ویلن و یا اقللاً ملودی مفرح کوچکی منجر به یأس شده بود (هدایت، ۶۸).

ب) حالا دیگر کاملاً مشهود بود که انتظارشان برای شنیدن آهنگ‌های زیبا یا سرگرم‌کننده از ویلن نقش بر آب شده (طاهری، ۶۴).

۵. با حالت عصبانی چندین بار ریش خود را کشیدند (هدایت، ۷۰).

ب) با هیجان ریششان را کشیدند (طاهری، ۶۶).  
 ۴-۳-۴. گذرایی<sup>۲۷</sup>: هسللمات<sup>۲۸</sup> (۱۹۹۳: ۹۰، نقل از راسخ‌مهند، ۱۳۸۶: ۸) بین افعال ناگذرا و سببی تفاوت می‌گذارد و آن‌ها را افعالی می‌داند که از حیث معنایی یک موقعیت تقریباً یکسان را نشان می‌دهند (مثلاً یک نوع تغییر حالت). با این تفاوت که در معنای فعل سببی یک عامل وجود دارد که عمل را انجام می‌دهد، اما در معنای فعل ناگذرا این عامل حذف شده است و عمل خود به خود اتفاق می‌افتد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین جنسیت و گذرایی وجود ندارد. چهار مورد در متن دو ترجمه مشاهده شده است.

۱. الف) به این ترتیب هر روز به او غذا می‌دادند... (سببی) (هدایت، ۳۸).

ب) گرگور هر روز به همین شکل تغذیه می‌شد (ناگذرا) (طاهری، ۳۹).

۲. الف) با تمام بدن به آن می‌چسبید (ناگذرا) (هدایت، ۳۹).

ب) تمام بدنش را به آن می‌چسباند (سببی) (طاهری، ۳۹).

۳. الف) و این موضوع به خانواده اجازه داده بود که سرمایه کوچکی پس‌انداز بکند (سببی) (هدایت، ۴۲-۴۳).

ب) ... و به صورت سرمایه مختصری جمع شده است (ناگذرا) (طاهری، ۴۲).

۴. الف) به نظر می‌آمد که آن‌ها فراموش شده بودند (ناگذرا) (هدایت ۷۷).

ب) از قرار معلوم آن‌ها را فراموش کرده بودند (سببی) (طاهری، ۷۲).

۴-۳-۵. کاربرد ادات استفهام «آیا»: هدایت و طاهری از ادات استفهام «آیا» به ترتیب ۱۶ و ۷ مورد در متن ترجمه استفاده کرده‌اند. می‌توان مدعی شد که مردان نسبت به زنان بیشتر از ادات استفهام استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از ادات استفهام بدین شرح است:

۱. الف) اغلب خواهر از پدر می‌پرسید که آیا مایل نیست که آجو بخورد ... (هدایت، ۴۰).

ب) غالباً خواهرش از پدرش می‌پرسید که آجو می‌خواهد ... (طاهری، ۴۰).

۲. الف) آیا از برچیدن اثاثیه‌اش اینطور وانمود نمی‌کنیم که از امید معالجه‌اش صرف‌نظر کرده‌ایم و از بدجنسی او را به حال خود وامی‌گذاریم؟ (هدایت، ۴۹).

ب) تازه، قبول نداری که با بیرون بردن اثاثش داریم به او نشان می‌دهیم که دیگر هیچ امیدی به بهبودی‌اش نداریم و همین جا با بی‌اعتنایی او را به حال خودش می‌گذاریم؟ (طاهری، ۴۷).

۳. الف) آیا می‌توانستند طوری ترتیب بدهند که درباره‌ی او کوتاهی نشود ... (هدایت، ۶۳).  
 ب) ... و در عین حال معنایش این نبود که گرگور را به حال خود رها کنند (طاهری، ۶۰).  
 ۴-۳-۶. سببی‌سازی: دبیرمقدم (۱۴: ۱۳۶۷) ساخت سببی را این‌گونه تعریف می‌کند:  
 «ساخت‌های سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌شود که در آن شخصی، حادثه‌ای و یا پدیده‌ای سبب‌ساز محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا شخص دیگری و یا شیئی سبب‌پذیر عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند».

تالمی<sup>۲۹</sup> (2000:500) در زمینه سببی‌پیاپی<sup>۳۰</sup> اشاره کرده است که وقتی یک رویداد سبب رویداد بعدی می‌شود، شیئی که به‌مثابه نما در اولین رویداد عمل می‌کند، در ارتباط با نمای رویداد دوم به‌مثابه ابزار محسوب می‌شود. حالا اگر رویداد دوم باعث رویداد سوم شود، نمای رویداد دوم به‌نوبه خود به‌مثابه ابزاری برای نمای رویداد سوم تلقی می‌شود و غیره. در واقع سببی شماره یک از نوع سببی پیاپی است. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در هر یک از متون ترجمه ۱۴ مورد از ساخت سببی استفاده شده است و نکته حائز اهمیت آن است که در بیشتر موارد ترتیب سبب و نتیجه در دو متن عکس هم بوده است. به عبارت دیگر ترتیب سبب و نتیجه در ترجمه هدایت به‌صورت سبب+ نتیجه و اما در ترجمه طاهری به صورت نتیجه+ سبب بوده است. بنابراین، می‌توان دریافت که ترتیب سبب و نتیجه در ساخت سببی رابطه مستقیمی با جنسیت دارد. نمونه‌هایی از ساخت سببی در دو ترجمه بدین شرح است:

۱. الف) آیا هیچ به او مربوط بود که پول در بیاورد؟ وقتی که صحبت راجع به این موضوع می‌شد (سبب ۱).

گره‌گوار همیشه در را ول می‌کرد و می‌رفت روی نیم تخت چرمی که خنکی آن به تن گره-  
 گوار که از زجر و خجالت می‌سوخت (سبب ۲) گوارا می‌آمد (نتیجه ۲) می‌خواهید (نتیجه ۱)  
 (هدایت، ۴۴).

ب) اوایل هر وقت که حرف ضرورت کسب درآمد پیش می‌آمد (سبب ۱)، گرگور چنان از فرط شرم و غصه گر می‌گرفت (سبب ۲) که خود را از در می‌کند و بر چرم خنک کاناپه کنار آن می‌انداخت (نتیجه) (طاهری، ۴۳).

۲. الف) برای اینکه سر ساعت شش پی خدمت برود (سبب) باید به‌طور معمول استراحت

بنماید (نتیجه) (هدایت، ۵۹).

ب) و پدرش به خواب درست و حساسی خیلی نیاز داشت (نتیجه)، چون می‌بایست ساعت شش سر کارش باشد (سبب) (طاهری، ۵۶).

۳. الف) حالا که یکی از اتاق‌های آپارتمان را به سه نفر اجاره داده بودند (سبب) چیزهایی که در اتاقش انداخته بودند خیلی زیاد شده بود (نتیجه) (هدایت، ۶۴).

ب) و حالا کلی از این چیزها آنجا بود (نتیجه)، چون یکی از اتاق‌های آپارتمان را به سه نفر مستأجر اجاره داده بودند (سبب) (طاهری، ۶۱).

۴. الف) چون اجاره‌نشین‌ها گاهی در خانه و در اتاق مشترک صرف ناهار می‌کردند (سبب) بعضی شب‌ها در اتاق گره گوار بسته بود (نتیجه) (هدایت، ۶۵).

ب) و بسیاری از شب‌ها در اتاق نشیمن بسته می‌ماند (نتیجه)، چون مستأجرها گاهی شامشان را در خانه در اتاق نشیمن مشترک می‌خوردند (سبب) (طاهری، ۶۲).

۴-۷. موصولی‌سازی<sup>۳۱</sup>: در مطالعات اولیه دستور زایشی همانند دستور سنتی فرض بر این بود که قواعدی نظیر مجهول، موصولی‌سازی، سؤالی‌سازی و غیره وجود دارند. این قواعد قابل تجزیه به عناصر بنیادی‌تری هستند: گشتارهای پایه که به روش‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند و شرایط ساختاری (به مفهوم فنی در دستور گشتاری) که از سازه‌های پایه ساخته می‌شوند. مفاهیم مجهول، موصولی‌سازی و غیره می‌توانند به‌مثابه فرایندهای کلی‌تری همراه با نقش‌های کارکردی در دستور بازسازی شوند، اما آن‌ها قواعد دستور نیستند (Chomsky, 1988: 7). داده‌های پژوهش حاکی از آن است که فرایند موصولی‌سازی در ترجمه‌های هدایت و طاهری به ترتیب ۸۳ و ۴۹ مورد بوده است. در اغلب موارد هنگامی که یکی از مترجمان از بند موصولی جهت توصیف هسته استفاده کرده است، مترجم دیگر به‌جای بند موصولی از صفت/ گروه صفتی استفاده کرده است. می‌توان نتیجه گرفت که مردان نسبت به زنان بیشتر از فرایند موصولی‌سازی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از فرایند موصولی‌سازی در دو ترجمه به شرح زیر است:

۱. الف) در این خانواده که اعضای آن از کار و خستگی درمانده بودند به جز در موارد ضروری، کی فرصت داشت که به فکر گره‌گوار باشد؟ (هدایت، ۵۹).

ب) در این خانواده خسته و فرسوده از کار، چه کسی فرصت داشت بیش از آنچه مطلقاً

لازم بود به فکر گرگور باشد؟

۲. الف) ... زیرا به خوبی می‌توانستند او را در صندوق چوبی که هواخور داشته باشد بگذارند و حملش بکنند ... (هدایت، ۶۰).

ب) ... چون خیلی راحت می‌توانستند او را در جعبه چوبی مناسب با چند سوراخ هواکش حمل کنند (طاهری، ۵۷).

۳. الف) ابتدا موقع ورود خواهرش گرگوار در کنیف‌ترین جاها توقف می‌کرد تا به او سرزنش بدهد (هدایت، ۶۲).

ب) آن اوایل گرگور، هر وقت که خواهرش وارد اتاق او می‌شد، در آن گوشه‌هایی جای می‌گرفت که از همه آزاردهنده‌تر بودند، با این جای‌گیری به نحوی می‌خواست او را ملامت کند (طاهری، ۵۹).

۴. الف) مادر سعی کرد پدر خشمناک را به اتاق خواب راهنمایی بکند (هدایت، ۶۲).

ب) در این میان مادرش سعی می‌کرد پدرش را که از آشفتگی حال خود را نمی‌فهمید به اتاق خواب بکشاند (طاهری، ۶۰).

۵. الف) یک روز صبح که باران پیشقدم بهار به شدت به شیشه پنجره می‌خورد ... (هدایت، ۶۳).

ب) یک بار صبح زود، باران شدیدی که شاید به این زودی نشانه نزدیک شدن بهار بود بر شیشه‌های پنجره می‌کوبید ... (طاهری، ۶۰).

۳-۴. حرکت بند موصولی: راسخ‌مهند و همکاران (۱۳۹۱: ۲۱) به تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی پرداخته‌اند. از آنجا که خروج یا عدم خروج بند موصولی معمولاً به جملات دستوری می‌انجامد، نمی‌توان دلایل نحوی را در این امر دخیل دانست و باید در جست‌وجوی دلیل یا دلایل نقشی بود که سبب خروج بند موصولی می‌شود. آن‌ها چهار عامل طول بند موصولی، نوع فعل بند اصلی، وضعیت اطلاعی فعل و هسته بند اصلی و وضعیت معرفگی هسته بند موصولی را در خروج بند موصولی دخیل دانستند و البته مهم‌ترین عامل را در خروج بند موصولی، طول بند موصولی و نسبت آن با طول گروه فعلی بند اصلی در نظر گرفته‌اند. هر چه این نسبت بیشتر باشد، امکان خروج بیشتر است. اما آن‌ها به نقش متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت در خروج بند موصولی توجه‌ای نداشته‌اند. در واقع خروج/عدم خروج

بند موصولی به‌مثابه تنوع نحوی محسوب می‌شود و یافته‌های پژوهش حاضر نقش جنسیت را در تنوع نحوی ناشی از خروج/عدم خروج بند موصولی به تصویر کشیده است. فرایند گشتاری حرکت بند موصولی ترجمه‌های هدایت و طاهری به ترتیب ۱۱ و ۱۵ مورد بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان بیشتر از گشتار حرکت بند موصولی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از فرایند گشتاری حرکت بند موصولی در دو ترجمه به شرح زیر است:

۱. الف) ناچار شدند جواهرهای خانواده را که سابقاً در مجالس پذیرایی و جشن‌ها باعث سرافرازی مادر و خواهر بود بفروشدند (هدایت، ۶۰).

ب) حتی کار به جایی رسید که تکه‌هایی از جواهرات خانوادگی را فروختند که پیش‌تر مادر و خواهرش در مهمانی‌ها و جشن‌ها با شوق زایدالوصفی به خود آویزان می‌کردند (طاهری، ۵۷).

۲. الف) تعجبی نداشت که در این اواخر ترس دائمی مزاحم شدن را که سابق به آن می‌بالید فراموش کرده باشد (هدایت، ۶۷).

ب) از اینکه این اواخر این قدر کم ملاحظه دیگران را می‌کند چندان تعجبی نکرد؛ زمانی بیش از هر چیز به ملاحظه‌کاری خود می‌بالید (طاهری، ۶۴).

۳. الف) آقای سامسا با لباس رسمی در حالی که زنش را با یک بازو و دخترش را با بازوی دیگر گرفته بود ظاهر شد (هدایت، ۷۷).

ب) و آقای زامزا با اونیفرمش پیدا شد که یک بازو را همسرش و بازوی دیگرش را دخترش گرفته بود (طاهری، ۷۲).

۴. الف) و گره‌گوار اغلب شب‌هایش را به تماشای این لباس که پر از لکه بود و دکمه‌های برق‌انداخته‌اش همیشه می‌درخشید و زیر آن مرد مسن در سکوت و ناراحتی می‌خوابید می‌گذرانید (هدایت، ۵۸).

ب) و گرگور غالباً تمام شب به این لباس خیره می‌شد که پر از لکه بود و با آن دکمه‌های طلایی همیشه برق‌انداخته‌اش برق‌برق می‌زد و پدر به ناراحت‌ترین وجه و در عین حال با آرامش با آن می‌خوابید (طاهری، ۵۶).

۴-۳-۹. ناهم‌پایه‌سازی: در مقایسه دو ترجمه فارسی کتاب مسخ مشاهده شده است که وقتی یک مترجم در ترجمه از جملات مرکب هم‌پایه و یا دو جمله مستقل استفاده کرده است،



مترجم دیگر در ترجمه همان گزاره‌ها از جملات مرکب ناهم‌پایه استفاده کرده است. درحقیقت یکی از بندهای جمله هم‌پایه و یا مستقل به‌صورت جمله وابسته در جملات ناهم‌پایه ظاهر شده است. بنابراین، کشف چنین پدیده نحوی در مقایسه ترجمه‌ها یکی از نوآوری‌های مهم پژوهش حاضر محسوب می‌شود. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که هدایت و طاهری از فرایند ناهم‌پایه‌سازی در ترجمه به ترتیب ۱۲۰ و ۹۴ مورد استفاده کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان بیشتر از ناهم‌پایه‌سازی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از فرایند ناهم‌پایه‌سازی به شرح زیر است:

۱. الف) یک خدمتکار سرپایی بیوه پیری در اختیار آن‌ها بود که استخوان‌بندی درشتی داشت. او در طی زندگی طویلش از بلیه‌های سختی نجات یافته بود و نمی‌شد گفت که حقیقتاً از گره‌گوار متنفر است (هدایت، ۶۳).

ب) این بیوه‌زن سال‌خورده که به یمن هیکل استخوانی درشت خود احتمالاً توانسته سختی‌های زیادی را در طول عمر درازش پشت سر بگذارد، از گرگور واقعاً بیزار نبود (طاهری، ۶۰).  
۲. حالا هر سه آن‌ها در حالی که روزنامه می‌خواندند و سیگار می‌کشیدند روی صندلی یله داده بودند (هدایت، ۶۶).

ب) و حالا تکیه داده به پشتی صندلی، روزنامه می‌خواندند و سیگار می‌کشیدند (طاهری، ۶۳).

۳. پدر و مادر که برای اولین مرتبه اتاقشان را اجاره داده بودند در تواضع و تکریم نسبت به مهمانان زیاده‌روی می‌کردند. روی صندلی‌های خود نمی‌نشستند از ترس اینکه مبادا مهمانان برنجند (هدایت، ۶۷).

ب) پدر و مادرش — که پیش‌تر هرگز اتاق اجاره نداده‌اند و برای همین با مستأجرها با ادبی مفراط رفتار می‌کردند — حتی جرئت نکردند که روی صندلی‌های خودشان بنشینند (طاهری، ۶۳).

۴. الف) دختر شروع به نواختن کرد در حالی که پدر و مادر از دو طرف مختلف به حرکات دستش نگاه می‌کردند (هدایت، ۶۷).

ب) خواهرش بنا کرد به نواختن. پدر و مادر از دو طرف به دقت حرکات دستانش را دنبال می‌کردند (طاهری، ۶۴).

۴-۳-۱۰. مرکب‌سازی آغازگر: یکی از سازوکارهای اساسی در ترکیب دو یا چند جمله استفاده از فرایند مرکب‌سازی آغازگر دو یا چند جمله است. شش مورد مرکب‌سازی آغازگر در دو ترجمه یافت شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از مترجمان در سه مورد از مرکب‌سازی آغازگر استفاده کرده‌اند. بنابراین، جنسیت نقشی در مرکب‌سازی آغازگر ندارد:

۱. الف) پدر با سه‌پایه آمد و مادر با نت موسیقی و خواهر هم با ویلن (هدایت، ۶۷).
- ب) چیزی نگذشت که پدر گرگور با سه‌پایه، مادرش با برگه نت و خواهرش با ویلن آمد (طاهری، ۶۳).
۲. الف) حالا خواهر و مادر آشپزی را به گردن گرفته بودند (هدایت، ۴۰).
- ب) حالا خواهر مجبور بود که در آشپزی هم به مادرش کمک کند (طاهری، ۴۰).
۳. الف) همه خویشانش و خود او به این کار عادت کرده بودند (هدایت، ۴۱).
- ب) همه اصلاً به این وضع عادت کرده بودند، هم خانواده و هم گرگور (طاهری، ۴۱).
۴. الف) دو زن که با اضطراب متوجه عملیات او بودند لبخند خوشحالی زدند (هدایت، ۶۶).
- ب) و مادر و خواهر که با دلواپسی تماشا می‌کردند، نفسی به راحتی کشیدند و لبخند به لب آوردند (طاهری، ۶۲).

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت نقش اساسی در تنوع زبانی از جمله واژگانی، صرفی و نحوی را در زبان فارسی ایفا می‌کند. زنان و مردان به سبب دارا بودن فضای واژگانی گسترده در ذهن می‌توانند در بازنمایی معنا از واژه‌های خاصی استفاده کنند. بررسی داده‌های پژوهش حاکی از آن است که تعداد کل تنوعات واژگانی ۵۰۵ مورد بوده است. از این تعداد کل تنوع واژگانی، سهم هر یک از تنوعات اجزای کلام از جمله تنوع فعلی ۳۹۸ مورد، تنوع اسمی ۵۱ مورد، تنوع صفتی ۳۹ مورد و تنوع قیدی ۱۷ مورد بوده است. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سهم جنسیت در تنوع صرفی نسبت به تنوعات واژگانی و نحوی کمتر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هدایت و طاهری از فرایندهای نحوی مختلف زایشی، نقش‌گرایی و شناختی از جمله مبتداسازی، قلب نحوی، ساخت اسنادی، کاربرد افزوده‌ها، ساخت

شبه‌اسنادی، کاربرد ادات استفهام، سببی‌سازی، موصولی‌سازی، حرکت بند موصولی، ناهم‌پایه‌سازی و مرکب‌سازی آغازگر توجه جهت ایجاد تنوع نحوی در ترجمه استفاده کرده‌اند. از میان فرایندهای نحوی مذکور رابطه تنگاتنگی بین متغیر اجتماعی جنسیت و متغیرهای زبانی از جمله قلب نحوی، کاربرد افزوده‌ها، کاربرد ادات استفهام، سببی‌سازی، موصولی‌سازی، حرکت بند موصولی و ناهم‌پایه‌سازی وجود دارد. هدایت و طاهری از فرایند قلب نحوی در ترجمه به ترتیب ۲۸ و ۱۶ مورد استفاده کرده‌اند که تفاوت تقریباً زیادی بین آن‌ها وجود دارد. بنابراین، می‌توان مدعی شد که مردان بیشتر از زنان از فرایند قلب نحوی استفاده می‌کنند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که طاهری در ترجمه در ۳۰ مورد خلاف هدایت از افزوده‌ها بیشتر استفاده کرده است. بنابراین، رابطه تنگاتنگی بین جنسیت و کاربرد افزوده‌ها وجود دارد. هدایت و طاهری از ادات استفهام «آیا» به ترتیب ۱۶ و ۷ مورد در متن ترجمه استفاده کرده‌اند. می‌توان مدعی شد که مردان نسبت به زنان بیشتر از ادات استفهام استفاده می‌کنند. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در هر یک از متون ترجمه ۱۴ مورد از ساخت سببی استفاده شده است و نکته حائز اهمیت آن است که در بیشتر موارد ترتیب سبب و نتیجه در دو متن عکس هم بوده است. به عبارت دیگر ترتیب سبب و نتیجه در ترجمه هدایت به صورت سبب+ نتیجه و اما در ترجمه طاهری به صورت نتیجه+ سبب بوده است. بنابراین، می‌توان دریافت که ترتیب سبب و نتیجه در ساخت سببی رابطه مستقیمی با جنسیت دارد. داده‌های پژوهش حاکی از آن است که فرایند موصولی‌سازی در ترجمه‌های هدایت و طاهری به ترتیب ۸۳ و ۴۹ مورد بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که مردان نسبت به زنان بیشتر از فرایند موصولی‌سازی استفاده می‌کنند. فرایند گشتاری حرکت بند موصولی ترجمه‌های هدایت و طاهری به ترتیب ۱۱ و ۱۵ مورد بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که زنان نسبت به مردان بیشتر از گشتار حرکت بند موصولی استفاده می‌کنند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که هدایت و طاهری از فرایند ناهم‌پایه‌سازی در ترجمه به ترتیب ۱۲۰ و ۹۴ مورد استفاده کرده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مردان نسبت به زنان بیشتر از ناهم‌پایه‌سازی استفاده می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعامل تنگاتنگی بین زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی وجود دارد. همانگونه که در مقدمه پژوهش حاضر آمده است، یکی از چالش‌های اساسی در مطالعات تنوعات زبانی بحث جایگاه تنوع در نظام زبان در ذهن و نحوه تعامل بین دستور زایشی و زبان‌شناسی اجتماعی

در بحث تنوع زبانی است. در نهایت، کارنیپس و کاریگان (2005) در بحث نحو و تنوع به این نتیجه رسیده‌اند که تعامل بین نحو و زبان‌شناسی اجتماعی وجود دارد و چنین بحثی در زبان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان شاخهٔ نحو‌شناسی اجتماعی مطرح شده است. اگرچه آرمان‌گرایی<sup>۳۳</sup> و جامعهٔ زبانی همگن<sup>۳۳</sup> همواره مورد استناد چامسکی بوده است و منطق طرح این دو مفهوم توصیف زبان‌آموزی کودک (یعنی فراگیری زبان جامعهٔ زبانی‌ای که او در معرض آن است)، تحلیل قضاوت‌های سخنگوی بومی زبان نسبت به داده‌های آن زبان و نیز توصیف دانش زبانی سخنگوی بومی زبان فارغ از عوامل و تنوع‌هایی همچون تداخل لهجه‌های جغرافیایی، لهجه‌های اجتماعی، سبک‌ها و تفاوت‌های زبانی فردی، خطاها و لغزش‌ها در گفتار بوده است که بی‌گمان خود حیطة مطالعهٔ گروه دیگری از زبان‌شناسان را تشکیل می‌دهد (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۲۳)، اما در پژوهش حاضر خلاف نظریهٔ زایشی مشاهده می‌شود و در واقع شاهد تنوعات نحوی متأثر از گفتارها در دو ترجمه هستیم. بنابراین یافته‌های پژوهش نظریهٔ توانش ارتباطی (Canale, 1983) را تأیید می‌کند که در ذهن هر گویشوری چهار توانش دستوری، جامعه‌شناسی زبان، توانش گفتمانی و توانش راهبردی وجود دارد. با قدری تعدیل نظریهٔ توانش ارتباطی کتل (1983) یعنی پذیرش روابط دو و چند جانبه بین چهار توانش مذکور می‌توان تنوع زبانی را توجیه کرد. به عبارت دیگر، تنوع زبانی به‌طور هم‌زمان محصول تعامل میان سه توانش دستوری، جامعه‌شناسی زبان و توانش گفتمانی است که درحقیقت رابطهٔ سه جانبه متقابل میان گشتارهای اختیاری، متغیرهای اجتماعی و ساخت اطلاع برقرار است. ایلیس (1994: 134-135) در مطالعات فراگیری زبان دوم رده‌شناسی تنوع را در انتخاب صورت زبان مطرح کرده است که تنوع در صورت زبان شامل دو نوع تنوع افقی (هم‌زمانی) و تنوع عمودی (درزمانی) است. تنوع افقی شامل تنوع درونی در زبان‌آموز و تنوع بینافردی است. تنوع بینافردی بازتاب عوامل فردی نظیر انگیزش و شخصیت است، اما چنین تنوعی محصول عوامل اجتماعی نظیر طبقهٔ اجتماعی و گروه قومی است. از آنجایی که این عوامل اجتماعی در تنوع درونی هم نقش دارند، به‌طور وضوح تعامل بین عوامل فردی زبان‌آموز نظیر جنسیت و طبقهٔ اجتماعی و عوامل موقعیتی درگیر در تغییر سبک وجود دارد و نشانگرهای<sup>۳۴</sup> درگیر در تنوع سبکی همچنین به‌مثابهٔ شاخص‌های اجتماعی<sup>۳۵</sup> عمل می‌کنند. تنوع درونی شامل تنوع نظام‌مند و تنوع غیرنظام‌مند (آزاد) است. تنوع نظام‌مند محصول تأثیر عوامل بیرونی بر بافت زبانی، بافت موقعیتی و

بافت روان‌شناسی‌زبان است که درحقیقت به تنوع صورت - نقش منجر خواهد شد. تمامی سه نوع بافت زبانی، موقعیتی و روان‌شناسی‌زبان ممکن است بر زبان‌آموزان در انتخاب صورت جهت بازنمایی نقش‌های خاص زبانی تأثیر بگذارند. تنوع صورت - نقش از طریق تحلیل صورت - نقش قابل توصیف است. زبان‌آموزان شبکه‌ای از روابط صورت - نقش را می‌سازند و توصیف این شبکه‌ها سرنخ‌هایی را درباره ماهیت نظام درونی زبان‌آموزان فراهم می‌سازند. بنابراین رده‌شناسی تنوع ایلیس (1994) هم تأییدکننده حاکمیت نظریه توانش ارتباطی در تحلیل تنوع زبانی است. تا جایی که نگارنده مطالعات مختلف را در حوزه تنوع زبانی بررسی کرده است، هیچ پژوهشی در زمینه تعامل بین دستور زایشی و زبان‌شناسی اجتماعی تاکنون چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور انجام نشده است و درحقیقت پژوهش حاضر برای اولین بار با استفاده از بررسی ترجمه به‌منزله یکی از تکنیک‌های مهم جهت مطالعات تنوع زبانی به این موضوع پرداخته است.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. Labov
2. variation theory
3. paradigms
4. Beeman
5. Adli
6. Tagliamonte
7. pied piping
8. Borer
9. Hudson
10. James & Drakich
11. Holmes
12. Barbiers
13. Kroch
14. stylistic rules
15. heavy NP-shift
16. Adger & Smith
17. social dynamics
18. King & Muysken
19. Van Gelderen
20. Benincà & Poletto
21. Gervain & Zemplén

22. underspecification
23. topicalization
24. adjunction
25. Rizzi
26. scrambling
27. transitivity
28. Haspelmath
29. Talmy
30. serial causation
31. relativization
32. idealization
33. homogeneous speech community
34. markers
35. social indicators

## ۷. منابع

- آهنگر، ع.، و شاهسوار، م. (۱۳۹۳). تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان: ساخت هجا، عناصر ساخت‌واژی و نحوی. *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء(س)*، ۱۳، ۷-۴۳.
- احمدخانی، م.ر.، کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.، و حاجی حسنلو، ل. (۱۳۹۵). واج‌شناسی اجتماعی: بررسی موردی قلب واجی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۴(۳۲)، ۲۱-۳۷.
- بی‌من، و. (۱۹۸۶). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*. ترجمه ر. مقدم‌کیا (۱۳۹۳). تهران: نشر نی.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۶۷). ساخت‌های سببی در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، ۱، ۱۳-۷۵.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویراست دوم)*. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، م. (۱۳۸۶). ساخت ناگذرا در فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵، ۱-۲۰.
- راسخ‌مهند، م.، علیزاده صحرائی، م.، ایزدی‌فر، ر.، و قیاسوند، م. (۱۳۹۱). تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱، ۲۱-۴۰.
- رضاپور، ا. (۱۳۹۴). تحلیل انتقادی استعاره‌ی دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱(۱۲)، ۶۴-۴۹.

- رضایپور، ا. (۱۳۹۶). تعامل نحو و زبان‌شناسی اجتماعی: تحلیلی جامعه‌شناختی بر کاربرد چند ساخت نحوی فارسی براساس نظریه تنوعات زبانی لباو. *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء(س)*، ۲۲، ۷۷-۱۰۵.
- صفوی، ک. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- غفارثمر، ر. و یزدان‌مهر، ا. (۱۳۹۱). تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی بیان آینده در زبان فارسی زیر تأثیر عوامل اجتماعی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۶، ۹۵-۱۱۴.
- کافکا، ف. (۱۹۱۵). *مسخ*. ترجمه ص. هدایت (۱۳۸۵). تهران: جامه‌دران.
- کافکا، ف. (۱۹۱۵). *مسخ*. ترجمه ف. طاهری (۱۳۹۴). تهران: نیلوفر.
- مدرسی، ی. (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

#### References

- Adger, D. & Smith J. (2003). Variation and the functional lexicon: A case study in auxiliary deletion. Abstract for the 'Syntactic Variation' Workshop at the *Second International Conference on Language Variation and Change*, QueenMary, University of London & University of York.
- Adger, D. & Smith, J. (2005). Variation and the minimalist program. In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins. 149-178.
- Adli, A.(2004). *Grammatische variation und sozialstruktur*. Berlin: Akademie Verlag.
- Adli, A.(2006). French wh-in-situ questions and syntactic optionality: Evidence from three data types. *Zeitschrift für Sprachwissenschaft* 25(2). 163-203.
- Adli,A.(2013). Syntactic variation in French *Wh*-questions: A quantitative study from the angle of Bourdieu's sociocultural theory. *Linguistics* 2013; 51(3): 473 – 515.
- Ahangar, A.A. (2014). The effect of social variables on the use of linguistic

variables of Persian in Nehbandan: Syllable structure, morphological and syntactic elements. *Journal of Language Research, Alzahra University, 13*. 7-43.[In Persian].

- Ahmadkhani, M.R., Kord Zaferanloo Kambozia, A. & Haji Hasanloo, L. (2016). Phonological metathesis in Persian: Intersection of phonology and sociology. *Language Related Research,4(32)*. 21-37.[In Persian].
- Barbiers, S. (2000). Microvariation in negation in varieties of Dutch. In preparation of the Dutch – Flemish research project Syntactic Atlas of the Dutch Dialects (SAND). *Meertens Institute of the Royal Netherlands Academy of Sciences*.
- Barbiers, S. (2005). Word order variation in three-verb clusters and the division of labour between generative linguistics and sociolinguistics. In Leonie Cornips & Karen P. Corrigan(eds.), *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social* Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins, 233–264.
- Beeman, W. (1986). Language, status and power in Iran. Translated by R. Moghaddam Kiya(2014). Tehran: Ney .[In Persian].
- Benincà, P. and Poletto, C. (2005). The third dimension of person features. In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins. 265-300.
- Canale, M. (1983). From communicative competence to communicative language pedagogy. *Language and Communication*. Richards, J. C., & R. W. Schmidt (Eds.). London: Longman. 2-27.
- Chambers, Jack K., Trudgill, P. & Schilling-Estes, N. (Eds.). (2002). *The Handbook of language variation and change*. Oxford: Blackwell.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on government and binding*. Dordrecht: Foris.
- Chomsky, N. (1986). *Knowledge of language: its nature, origin, and use*. New York: Praeger.
- Chomsky, N. (1988). *Lectures on government and binding*. Foris Publications,



- Dordrecht, Holland.
- Chomsky, N. (1991). Some notes on economy of derivation and representation. In Robert Freidin (ed.), *Principles and parameters in comparative grammar*, 417–454. Cambridge, MA: MIT Press.
  - Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.) (2005). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins.
  - Dabirmoghaddam, M. (1988). Causative construction in Persian. *Journal of Linguistics*, 1 13-75. [In Persian].
  - Dabirmoghaddam, M. (2004). *Theoretical linguistics, emergence and development of generative grammar* (2<sup>nd</sup> Edition). Tehran: Samt. [In Persian].
  - Ellis, R. (1994). *The study of second language acquisition*. Oxford: Oxford University Press.
  - Gervain, J. & Zemplén, G. (2005). Focus raising: A paradigmatic example of the treatment of syntactic variation. In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins. 123-145.
  - Fasold, R. W. (2013). Variation and syntactic theory. In J.K. Chambers and N. Schilling (eds.). *The handbook of language variation and Change*. UK: Wiley-Blackwell. 185-202.
  - Ghafar Samar, R. & Yazdanmehr, E. (2012). Analyzing morpho-syntactic variants of future expression influenced by social factors in Persian. *Journal of Language and Linguistics*, No. 16. 95-114. [In Persian].
  - Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to functional grammar* (2nd ed.). London: E. Arnold.
  - Halliday, M. A. K. & Matthiessen, Christian M. I. M. (2004). *An introduction to functional grammar* (3rd ed. / rev. by Christian M.I.M. Matthiessen). London: Arnold.
  - Haspelmath, M. (1993). More on the typology of inchoative/causative verb

alternations. In Bernard Comrie and Maria polinsky(eds.). causatives and transitivity. Amsterdam:John Benjamins. 87-120.

- Henry, A. (1995). *Belfast English and Standard English: Dialect variation and parameter setting*. Oxford: Oxford University Press.
- Henry, A. (2002). Variation and syntactic theory. In Chambers, Jack K., Peter Trudgill, & Natalie Schilling-Estes (Eds.). (2002). *The handbook of language variation and change*. Oxford: Blackwell, 267–282.
- Holmes, J. (1992). *An introduction to sociolinguistics*. London: Longman.
- Holmes, J. (1998). Women’s talk: The question of sociolinguistic universals. In Coates, J. (ed.) (1998). *Language and gender: A reader*. Oxford: Blackwell.
- Hudson, R. A. (1996). *Sociolinguistics*. 2nd edn. Cambridge: Cambridge University Press.
- James, D. & Drakich .J. (1993). Understanding gender differences in amount of talk: A critical review of research. In Tannen, D. (1993). *Gender and conversational interaction*. New York: Oxford University Press.
- Kafka, F. (1915). *The Metamorphosis*. Translated by F. Taheri (2015). Tehran: Jamehdaran .[In Persian].
- King, R. (2005). Morphosyntactic variation and theory: Subject-verb agreement in Acadian French . In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins.199-229.
- Kroch, A. (1989). Reflexes of grammar in patterns of language change. *Language Variation and Change, 1*, 199–244.
- Labov, W. (1969). Contraction, deletion, and inherent variability of the English copula. *Language*. 45.715-762.
- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of cognitive grammar. 1: Theoretical prerequisites*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Meechan, M. & Foley. M. (1994). On resolving disagreement: Linguistic theory and variation – *There’s Bridges. Language Variation and Change, 6*, 83–85.

- Modaresi, Y. (2012). *An introduction to sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Muysken, P. (2005). A modular approach to sociolinguistic variation in syntax: The gerund in Ecuadorian Spanish. In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins. 31-54.
- Rasekhmahand, M. (2007). Inchoative in Persian. *Journal of Language and Linguistics*, 5, 1-20. [In Persian].
- Rasekhmahand, M., Alizadeh Sahraie, M., Izadifar R. & Ghiasvand M. (2012). Functional explanation of relative clause extraposition in Persian. *Journal of Researches in Linguistics*, 1, 21-40. [In Persian].
- Rezapour, E. (2015). Critical analysis of grammatical metaphor in political discourse of local newspapers. *Researches in Linguistics*, 1(2), 49-64. [In Persian].
- Rezapour, E. (2017). The interface of syntax and sociolinguistics: sociolinguistic analysis of some Persian syntactic structures based on Labov' variation theory. *Journal of Language Research*, Alzahra University, 22, 77-105. [In Persian].
- Rizzi, L. (1997). The fine structure of the left periphery. In L. Haegeman (ed.). *Elements of grammar*, 281-337, Kluwer Academic Publishers.
- Safavi, K. (2000). *An introduction to semantics*. Tehran: Research Center for Islamic Arts and Culture. [In Persian].
- Sells, P., Rickford, J. R. & Wasow, Th. (1996a). An Optimality theoretic approach to variation in negative inversion in AAVE. *Natural Language and Linguistic Theory*, 14, 591-627.
- Sells, P., Rickford, J. R. & Wasow, Th. (1996b). Variation in negative inversion in AAVE: An optimality theoretic approach. In Jennifer Arnold, Renée Blake, Brad Davidson, Scott Schwenter, & Julie Solomon (Eds.), *Sociolinguistic variation: Data, theory and analysis* (pp. 161-176). Stanford: Centre for the Study of Language and Information (CSLI).

- Tagliamonte, S. A. (2011). Variation as a window on universals. In Peter Siemund, P. (ed.). *Linguistic universals and language variation*. Berlin/New York: De Gruyter Mouton. 128-170.
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*, Volume I: Concept Structuring Systems. Massachusetts Institute of Technology.
- Taylor, A. (1994). The change from SOV to SVO in Ancient Greek. *Language Variation and Change*, 6(1), 1–137.
- Van der Wurff, W. (2000). Variation and change: Text types and the modelling of syntactic change”. In Ricardo Bermúdez-Otero, David Denison, Richard M. Hogg, & Chris B. McCully (Eds.), *generative theory and corpus studies, A dialogue from 10 ICEHL*, Topics in Linguistics 31 (pp. 261–282). Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Van Gelderen, E. (2005). Principles and parameters in change. In Cornips, L. & Corrigan, K. (eds.). *Syntax and variation: Reconciling the biological and the social*. Amsterdam: John Benjamins. 179-198.
- Wardaugh, R. (2006). *An introduction to sociolinguistics*. Wiley-Blackwell.
- Wilson, J. & Henry .A. (1998). Parameter setting within a socially realistic linguistics”. *Language in Society*, 27, 1–21.